



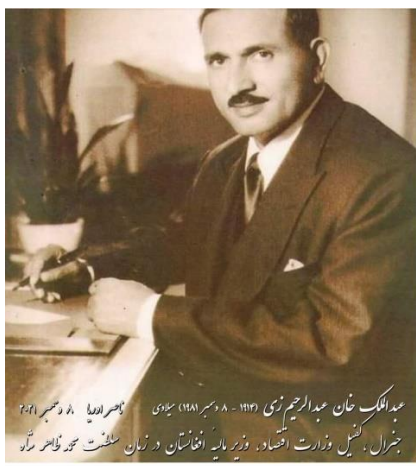
۲۰۲۲/۱۲/۰۹

ناصر اوریا / تاریخ، بخش: رجال

ملک خان شخصیت ملی، وزیر مالیه و کفیل وزارت اقتصاد

عبدالملک عبدالرحیم زی (مشهور به ملک خان) فرزند عبدالرحیم خان در سال ۱۹۱۴م در گمران ولایت لوگر چشم به جهان گشود. ملک خان مکتب را در لوگر خوانده و در کابل داخل اداره استخبارات شد. وی به تشبث شخصی شامل یک کورس محاسبه شده و نسبت انجام کاری مورد توجه داود خان که در آن زمان وزیر دفاع بود، قرار گرفت. داود خان وی را به حیث مدیر لوازم مکتب حربیه مقرر نمود.

ملک خان با استفاده از یک بورس تحصیلی در کشور ترکیه به تحصیل در رشته لوژستیک (لوازم) حربی پرداخت و بعد از عودت به وطن ابتدا به حیث معاون و سپس به حیث رئیس لوژستیک وزارت حربیه توظیف شد.



در آنزمان در مکتب حربیه استادان ترکی حضور داشتند و چون ملک خان با لسان و طرز تدریس استادان ترکی آشنا بود، زمانی که معلم غیرحاضر می بود، وی به تدریس شاگردان می پرداخت.

با گذشت زمان نزد داود خان قرب و منزلت یافته و از اعتبار زیادی برخوردار گردید. در زمان جنگ صافی، داود خان وظیفه اکمالات را به ملک خان سپرد و بعد از ختم جنگ، چون از خدمات و جدیدتش راضی بود، وی را رئیس تفتیش عینیات اردو مقرر کرد.

زمانی که محمد ظاهر شاه، سپه سالار شاه محمود خان (وزیر حربیه) را به تشکیل کابینه منحیث صدراعظم موظف ساخت، داود خان پُست وزارت دفاع را احراز کرد. داود خان یک عده صاحب منصبان پاک نفس، وطن دوست و معتمد خویش را از حربی پوهنتون و قوای مرکز شامل تیم کاری خویش ساخت که یکی از این اشخاص ملک خان عبدالرحیم زی بود.

ملک خان که یک شخص فعال، جدی و پیشتاز در رشته محاسبه و لوژستیک بود، به ریاست تفتیش عینیات اردو تبدیل گردیده و تحت حمایت داود خان به چنان روش های تند اصلاحی دست زد که حتی صدراعظم وقت، شاه محمود خان را نیز ناخوشنود ساخت. این کار سبب شد تا روابط شاه محمود خان با دو برادر (داود خان و برادرش محمد نعیم خان) نیز به تیرگی گراید.

گرچه ملک خان به همکاری و کمک صاحب منصبان ترکی به اصلاحات حسابی و اداری مفید و ابتکارات ارزنده دست زد ولی سرعت عمل وی در این کار، مشکلاتی را نیز در امور محاسبات ببار آورد. این کار مخصوصاً در اردو، که صلاحیت ها به اساس سلسله مراتب در آن استوار بود، حالتی را پدید آورد که یک تعداد اثرات ناگوار و جنجال برانگیز آن نزد بعضی صاحب منصبان برای سالیان متمادی دوام پیدا کرد.

در چنین اوضاع و احوال در نیم قاره هند پیشگویی های تقسیم هند به کشور های هندو نشین و مسلمان نشین، باعث روی کار آمدن موضوعاتی شد که داود خان از وزارت دفاع ملی کنار رفت و جنرال محمد عمر خان وزیر دفاع شد. دوره کاری محمد عمر خان کوتاه بود زیرا از یک طرف مخالفت خاندان شاهی و از طرف دیگر روابط محمد عمر خان با ملک خان، که در آن زمان صاحب منصب لوژستیک و شخص مورد اعتماد داود خان بشمار می رفت، روی مسایل حسابی برهم خورد. ملک خان با حمایت سردار محمد نعیم خان برای کسب تحصیلات به کشور ترکیه اعزام و نزاع بصورت موقتی برطرف شد.

پس از برکناری جنرال محمد عمر خان از پُست وزارت دفاع، سردار محمد داود خان که برای مدتی سفیر افغانستان در فرانسه بود دوباره و وطن عودت نموده و در اواخر سال ۱۳۲۸ شمسی، در کابینه شاه محمود خان دوباره به حیث وزیر دفاع ملی تقرر یافت. داود خان که ترتیب، تنظیم و تسلیح بهتر اردو در الویت کاری اش قرار داشت، صاحب منصبان لایق، مستعد و مورد اعتمادش را در اطراف خود منسجم ساخت.

دور دوم وزارت دفاع محمد داود خان که حدود سه سال و چند ماه دوام کرد، بروز اختلافات بین خاندان شاهی مخصوصاً تیرگی روابط بین صدراعظم شاه محمود خان و داود خان، باعث شد که داود خان از وزارت دفاع کنار رفته و جنرال محمد عارف خان پُست وزارت دفاع را اشغال نماید. بالاخره زمانی فرا رسید که شاه محمود خان مجبور به استعفی شد و پادشاه، داود خان را به حیث صدراعظم به تشکیل کابینه توظیف نمود. در کابینه جدید جنرال محمد عارف خان پُست وزارت دفاع را احراز کرد. ملک خان که یک شخص پرمطالعه، پرکار و یک صاحب منصب مبتکر و طرفدار نظم و دسپلین نظامی بود، در سال ۱۹۵۵م در حالیکه رتبه نظامی دگروالی داشت، در کابینه داود خان به حیث وزیر مالیه مقتدر، "خودسر" و

مقرب صدراعظم مقرر گردید. ملک خان، زمانی که داکتر اقتصاد عبدالروف حیدر از پُست وزارت اقتصاد استعفی داد، سرپرستی وزارت اقتصاد را نیز به دوش گرفت.

سال ۱۳۳۴ شمسی روابط بین افغانستان و پاکستان تا سرحد احتمال برخورد نظامی به تیرگی گرایده بود و "سفربری" قسمی اعلان شد. بعد از رفع این بحران، مناسبات بین جنرال عارف وزیر دفاع و ملک خان وزیر مالیه نسبت عدم اکمال اردو تیره شد و حمایت داود خان از ملک خان باعث شد که جنرال عارف خان استعفی دهد. از آن به بعد محمد داود خان امور اردو را که به آن عشق شدید داشت، خودش مستقیماً بدست گرفت.

ملک خان عبدالرحیم زی بعد از احراز پُست وزارت مالیه، کارهای ذیل را روی دست گرفت: متمرکز ساختن منابع عایداتی به وزارت مالیه، مهیا ساختن منابع جدید عایداتی با انفصال بعضی شعبات از تشکیل دیگر وزارت خانه ها و ادغام آن ها به وزارت مالیه منجمله انتقال گمرکات، ریاست شورای عالی (د افغانستان بانک) را که وزیر اقتصار به عهده داشت، الحاق بعضی مؤسسات دیگر از قبیل دیپوی تعاونی مامورین (ریاست کوپراتیف)، تأسیس "ریاست عمومی تهیه" در وزارت مالیه تا امور خریداری های دولت را بطور کل انجام دهد و به این وسیله صلاحیت دیگر وزارت خانه ها در این ساحه محدود و مقید ساخته شود. همچنان سرپرستی و نظارت از اجرای پلان ۵ ساله اول را به حیث کفیل وزارت اقتصاد نیز عهده دار شد. ملک خان وزیر مالیه در سال ۱۹۵۶م سفر رسمی به ایالات متحده امریکا داشت که طی این سفر از وی پذیرایی شاندارى به عمل آمد و وعده مساعدت هایی نیز به افغانستان داده شد...

ملک خان بعد از عودت از سفر رسمی به امریکا، در سال ۱۹۵۷م به اتهام کودتای نظامی به کمک کشور خارجی (اغلباً امریکا) زندانی گردید.

ملک خان در سال ۱۳۳۶ مطابق ۱۹۵۷م در حالیکه وزیر مالیه و کفیل وزارت اقتصاد بود و در عین حال دفتر شخصی شاه را نیز اداره می کرد، به جرمی که واضحاً تشریح نگردید و به گناهی که تأیید نشد، از تمام حقوق محروم و به زندان انداخته شد.

این که ملک خان به چه جرمی به چنین سرنوشتی گرفتار شد تا روز مرگ ملک خان و حتی تا امروز هم افشا و بر ملا نگردید است و افراد و گروه های مختلف نظر به معلومات و برداشت خود در این باره حدس و گمان هایی دارند:

بعضی آنرا پلان یک کودتا قلمداد می کنند، تعدادی آنرا مرتبط به سفر ملک خان به امریکا در سال ۱۹۵۶م میدانند، گروهی آنرا دسیسه "کی جی بی" سازمان استخباراتی شوروی فکر می کند، شماری هم آنرا به مخالفت و خشم محمد نعیم خان و مشکلات ناشی از اشتباهات در طرح پلان ۵ ساله اول پیوند داده و دسته ای هم ریشه آنرا در مخالفت های داخلی، حسادت های مبنی بر قدرت و شهرت فراینده ملک خان دانسته و عده ای از آن به عنوان اقدام پیشگیرانه برای جلوگیری از خطر برای آینده نظام یاد می کنند

علت هر چه بوده باشد، ملک خان آنرا از وظیفه برکنار و حدود ۲۱ سال را در زندان سپری نمود. در این میان داود خان دو دوست خود، اول جنرال عارف خان و سپس ملک خان را از دست داد.

گرچه ارائه جواب قاطع و مستند به اینکه چرا ملک خان به چنین سرنوشت دردناک دچار شد مشکل است زیرا هیچ مدرک و سندی که به اساس آن بطور قطعی حکم کرد، در دست نیست و آنچه در این مورد تقریر و تحریر شده همه بر اساس احتمالات و حدس و گمان هایی استوار است که بعضی آن ها میتواند قرین به واقعیت باشند.

از جمله افزایش شهرت و قدرت روز افزون ملک خان، سفر امریکا و احتمال کودتا، استرداد دارایی های هاشم خان و دیگران، افزایش روز افزون نارضایتی ها از ملک خان در برخوردش با دیگران، نقش برادانش (که وظایف دولتی داشتند) در صدمه زدن به شهرت او، نقش سردار ولی در راه انداختن شایعه کودتای ملک خان و احتمالات متعدد دیگر که غرض معلومات بیشتر در این باره به منابع موجود با تفصیلات مشروح باید رجوع شود، ولی در این جا صرف یک یادآوری شده است.

در قسمت افزایش نارضایتی ها از ملک خان گفته میشود که "همه به این خصلت ملک خان که شخص مغرور، با دسپلین و دارای انضباط عسکری بود، هم نظر اند، حتی او در مجلس وزرا با همقطاران خود یعنی سائر وزرا عین پیش آمد را داشت که با زیردستان خود، چنان که این رفتار مغرورانه او در حلقه های حکومتی و مامورین مربوطه، موجب نارضایتی ها از شخص وی میگردد. در این مورد گفته شده که در دعوت های شبانه که در وزارت خارجه ترتیب می شد، وقتی که ملک خان می آمد، با مامورین به بسیار بی اعتنائی مصافحه می نمود، چنانچه در همین مسئله برخوردی بین او و استاد پژواک روی داد. در سال ۱۹۵۵ در باندونگ (اندونیزیا) در کنفرانس ممالک غیرمنسلک هیئت افغانی جمع شده بودند و ملک خان وارد شده با همه دست داد و مصافحه نمود، اما از مقابل پژواک به بی اعتنائی گذشت که موجب تعجب سردار نعیم خان هم

گردید. روز دیگر پژواک رویه بالمثل نمود، چون ملک خان برافروخته شد، نعیم خان برایش گفت: پروا ندارد، دیروز شما هم چنین پیش آمد کردید. (پژواک آنوقت مدیر عمومی سیاسی و متکفل امور اداری هیئت افغانی در کنفرانس باندونگ بود) مطالب کوتاهی به ارتباط احتمالاتی که موجب سقوط ستاره بخت ملک خان گردید :

*دگر جنرال نذیر کبیر سراج در کتاب "رویداد های نیمه سده بیست در افغانستان" نوشته است که (داود خان درباره قصور عبدالملک خان که تا آن روز نزدیکترین و معتمدترین همکار در نزد او بود، در روز یکشنبه باز هم بالای میز طعام وزارت دفاع بیان داشت که: "عبدالملک به همکاری یک مملکت اجنبی می خواست هنگامه ای را در کشور برپا سازد که جلو آن گرفته شد، خوشبختانه از صاحب منصبان و افراد اردو کسی با او همنا نشده بود. بزودی نتیجه تحقیقات را نظر به اسنادی که در دست است، خواهید شنید که چه توطئه ای در شرف تکوین بود تا مملکت را در غرقاب تباهی سرنگون سازد." عبدالملک خان ۲۱ سال را در زندان سپری نمود، اما نه تحقیقاتی صورت گرفت، نه محکمه ای دادر گردید و نه اسنادی به میدان کشیده شد که خیانت عبدالملک را ثابت سازد).

*آغاز جنگ سرد و رقابت امریکا - شوروی:

اکنون با در نظر داشت روابط جاری بین افغانستان و امریکا در سالهای دشوار ۱۹۵۳ تا ۱۹۵۶ واضح میگردد که هدف دعوت عبدالملک خان به امریکا ایجاد فضای حسن نیت مبنی بر اعطای کمک های اقتصادی و فرهنگی بوده و در ضمن امریکائی ها می کوشیدند تا نظر این شخصیت مؤثر را بسوی پیشرفت های غرب جلب نموده و زمینه نزدیکی را با او که فکر می کردند سومین شخص با صلاحیت در حکومت افغانستان است و نیز از شهرت زیاد برخوردار میباشد و شاید هم دوستی او روزی بدر امریکا بخورد، از وی هنگام اقامت چند روزه اش در امریکا به سطح بسیار بالاتر از یک وزیر و حتی معادل به یک رئیس جمهور پذیرائی کردند.

در اواسط سرطان ۱۳۳۶ (اواخر جون ۱۹۵۷) دولت امریکا مبلغ یک میلیون ششصد هزار دالر جهت اعمار پوهنتون کابل اختصاص داد و قرضه ۵ میلیون و ۷۰۰ هزار دالر بین افغانستان و امریکا به امضا رسید و نیز ضمن قرار داد دیگری مبلغ یک میلیون ۱۱۶ هزار دالر امریکائی به وزارت مالیه کمک داده شد که این همه کمک ها در یک زمان و در دهه اول ماه سرطان همان سال صورت گرفت. مسلماً این کمک ها نتیجه مذاکراتی بود که بعضی مقامات فرهنگی و اقتصادی کشور، بخصوص عبدالملک خان وزیر مالیه با زعمای ایالات متحده انجام داده بود.

(کمک های مذکور شایعاتی را در کابل برانگیخت که ممکن در مسیر سیاسی افغانستان تغییری وارد گردد و بحیث یک کشور بیطرف بتواند پای خود را از زنجیر اسارت استعمار روس فرا کشد. روس ها هم که از سفر عبدالملک خان و نتایج آن بسیار خشمگین و نگران بودند و فکر میکردند نقشه های شان در نیمه راه خنثی خواهد شد، دست بکار شدند و از طریق سازمانهای اطلاعاتی خود و به همکاری محمد نعیم خان معاون صدارت و وزیر خارجه که از قدرت و اعتبار روزافزون و کار آگاهی عبدالملک خان راضی به نظر نمی رسیدند، توطئه بزرگ و خطرناکی را طرح کردند و توسط شبکه استخباراتی روس (کی جی بی) در گوش شاه و محمد داود خان چنان زمزمه کردند که عبدالملک خان وزیر مالیه بیاری و کمک ایالات متحده قصد کودتا و برانداختن نظام را دارد و در هنگام ادای نماز عید انرا عملی خواهد کرد و حتی شنیده می شد که اسنادی هم بدست دارند، مگر تا امروز هم از آن اسناد اثری دیده نشده و هرگاه چنان چیزی وجود میداشت، حتمی انرا غرض تبرئه خود در جراید به نشر می رسانیدند).

* علی الحال محمد داود خان با همه نزدیکی و صمیمیت و اعتماد به عبدالملک خان نمیتوانست در برابر چنان توطئه خطرناک بی تفاوت بماند و انرا نادیده بگیرد، مخصوصاً که برادرش نیز به آن صحنه گذاشته و ملک خان را شخصی قلمداد کرد که در تلاش سرنگونی رژیم بود. لذا بی تأمل اقدام به گرفتاری او کرد و قبل از فرارسیدن عید بتاریخ دهم جولای ۱۹۵۷ مطابق ۱۸ سرطان دستور زندانی شدن ملک خان صادر شد.

*از قول جنرال یحیی نوروز: "سردار محمد داود عبدالملک خان را خلاف اراده خود برطرف و محبوس کرده بود. در سال ۱۹۷۲ هنگامیکه موضوع رهائی ملک خان از زندان در شورا بحث می شد، منبع مذکور از سردار محمد داود در مورد سرنوشت و چگونگی قضیه عبدالملک خان پرسید. سردار داود پاسخ داد که: به صداقت و لیاقت ملک خان شخصاً شک نداشته و ندارد، اما ملک خان در آن زمان بسیار مردم بشمول مقام سلطنت را ناراضی ساخته بود ."

او افزود: "افواهات در کابل در مورد ترتیبات کودتا از طرف عبدالملک عبدالرحیم زی زیاد شنیده می شد و غالباً در تحریک موضوع سردار عبدالولی نقش فعال داشت، بدون اینکه علتش دقیق فهمیده شود. اما باید گفت آخر هیچگونه ثبوت در مقابل وی یافته نشد."

*در کتاب "داود خان در چنگال کی جی بی" دراین باره چنین آمده است: عبدالملک آمادگی خود را برای تطبیق طرح انکشافی داود اعلام کرد، مالیه را افزود، مالیات بر عایدات را وضع کرد، به منظور جمع آوری و پس انداز عایدات تلاش

وسیع بعمل آورد. حتی مصارف ارگ و دربار سلطنتی را تحت محاسبه قرار داد. به منظور جلب کمکهای کشورهای خارجی، اولین مسافرت را به ایالات متحده انجام داد. با عودت ازین سفر، جگرن سیدکریم به سردار عبدالولی راپور داد که جنرال خواجه خلیل قوماندان فرقه مربوطه وی قصد دارد بر هبری وزیر عبدالملک دست به یک کودتا بزند. خلیل قوماندان فرقه هشت مشهور به "قلعه جنگی" بود. سیدکریم و سردار ولی هر دو در همین فرقه ایفای وظیفه میکردند و فرقه هشت در آنزمان در داخل شهر کابل در نزدیکی ارگ در منطقه قرار داشت که امروز بنام وزیر اکبر خان مینه یاد میشود. در آنزمان پادشاه، اعضای خانواده اش و مامورین عالیرتبه ملکی و لشکری نماز عید را باهم در مسجد جامع عید گاه برگزار میکردند. براساس راپور، عملیات کودتا پس از ادای نماز آغاز میگردد. پادشاه با اعضای خانواده اش و سائر مامورین عالیرتبه مورد حمله قرار گرفته شده، رژیمی جدید اعلام میگردد. این گزارشها برای اثبات اتهام کافی شمرده شدند. روز به اصطلاح کودتا نیز نزدیک شد. لذا احتیاطاً کودتا باید قبل از اجرا و اقدام خنثی گردانیده می شد.

*نویسنده کتاب می افزاید که: عبدالملک خود را دوست وفادار داود خان میخواند. از وی بد گویی نمیکرد. رقابتهای داخلی را عامل زندانی شدن خود میخواند. در اواخر دوره حبس گاهگاهی گمان میبرد که مسافرتش به امریکا عامل تخریب وی گردیده باشد. می گفت که وقتی که جهت جلب کمک برای اجرای یک طرح انکشافی دولت به امریکا سفر کرد، استقبال گرمی از وی به عمل آمده و با بعضی از رهبران دولتی نیز ملاقات کرد. می گفت در قصری که اقامت داشت، از لحاظ زینت و زیبایی آنقدر شیک نبود، اما آمریکائی ها مهمانان خاص و مهم را در آنجا اقامت میدادند. معتقد بود که ممکن است گزارش جریان این مسافرت با تعبیری منفی به کابل داده شده باشد. ضمناً به (کی جی بی) در رابطه با یک ارتباط دور، نیز اشاره میکرد. از نتایج مسافرتش راضی بود. دولت امریکا کمکهای زیادی به او وعده کرد. وقتی از سفر به امریکا عودت کرد، بلافاصله تحت تعقیب و مراقبت شدید قرار داده شد.

*در پایان دوره اول حاکمیت داود خان یعنی در عصر دموکراسی سلطنتی خواستار اجرای عدالت گردید. تقاضا کرد که در ستره محکمه، محاکمه شود. کسی به خواسته اش توجه نکرد. در دوره ده ساله دموکراسی باز هم در حبس نگه داشته شد. ولسی جرگه نیز به موضوع توجهی نکرد. داود خان در دوره دوم حاکمیت اش نیز وی را رها نکرد. عبدالملک خان تا اواخر اتهام را رد کرده خود را بیگناه میخواند. لذا به اصطلاح "توبه نامه" را امضا نکرد. از نظر وی نوشتن توبه نامه خود سند ارتکاب جرم بشمار میرفت. تحقیقات وقت زیادی را دربر گرفت ولی سند و مدرکی علیه وی بدست نیامد. با وجودیکه ملک خان بیشتر از دو دهه را در زندان سپری کرد ولی هر باری که مسئله آزاد شدن ملک خان از زندان مطرح می شد، ملک خان از آن امتناع ورزیده مگر اینکه در یک محکمه عادلانه جرمش معلوم و دلایل زندانی شدنش واضح و بی گناهی اش اعلام گردد.

بعد از کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ (۱۹۷۸م) ملک خان از زندان رها شد ولی به نسبت اینکه دوستان و علاقمندان به دیدنش می رفتند، رژیم حاکم این را تحمل نتوانسته و ملک خان دوباره به زندان فرستاده شد. بعد از مدتی با تلاش "سازمان عفو بین المللی" تحت بعضی شرایط و قیودات ملک خان دوباره رها گردید.

بعد از مدتی نسبت مریضی در شفاخانه وزیر محمد اکبر خان بستر و نسبت وخامت تکلیف مزمن گرده جان به جان آفرین تسلیم کرد.

گرچه ادعا می شود که عناصر رژیم امپول کشنده ای به او تزریق نمودند ولی سند یا اسناد مؤثقی در این باره در دست نیست.

ظلم و تعدی در حق فرد یا جامعه به هیچ وجه توجیه پذیر نیست ولی با مرور دقیق آن اقلأً به این نتیجه خواهیم رسید که انگیزه ها و دلایل مختلف اعم از داخلی و خارجی و همچنان خصوصیات شخصی و خانوادگی عبدالملک خان عبدالرحیم زی وزیر مالیه مستقیم و یا غیر مستقیم در برکناری و زندانی شدنش نقش داشته اند.

این نکته نیز واضح میگردد که داود خان تا حد توان در طول سالها از ملک خان در مقابل مخالفانش دفاع کرده و حتی موقعی که بین محمد عارف خان وزیر دفاع و ملک خان وزیر مالیه یعنی دو دوست و همکار نزدیکش اختلاف نظر پیدا شد، محمد داود خان از ملک خان حمایت کرد و استعفی عارف خان را قبول نمود. ولی سرانجام فشار ها چه از طریق تفتین و توطئه و چه استوار بر بعضی حقایق، داود خان را در موقفی قرار داد که مجبور شد ملک خان را از مقام عزل و سپس زندانی کند. شاید کمتر کسی تا حال فکر کرده باشد که نقش علیحضرت محمد ظاهر شاه و اطرافیان شان در آوردن فشار بر داود خان اثر جدی داشته است تا ملک خان را به نحوی از اریکه قدرت پائین نموده و گوشه نشین سازد تا دیگر کسی به سراغش نرود.

واضح است که سفر امریکا و پذیرائی بی نظیر از طرف مقامات آمریکائی از یک طرف و رقابت ها بین امریکا و شوروی و دلسردی داود خان از امریکا از طرف دیگر و بهره برداری شوروی از این وضع، در پهلوی عوامل و دلایل متعدد دیگر

در عزل و بعدا حبس ملک خان تأثیر بارز داشت و به مخالفان ملک خان موقع داد تا شاه نیز با وجود حمایت های اولی، بر او مظنون گردد و موجودیت همچو شخص را برای آینده نظام مایه نگرانی جدی دانسته و با بهانه ای ناشی از همین خطر یعنی کودتا بر داود خان فشار بیاورد تا او را برکنار کند.

کسانیکه حالا این مسائل را از دریچه ارزش ها و معیار های امروزی می بینند و از "حقوق بشر" و غیره صحبت میکنند، باید این نکته را نیز در نظر داشته باشند که در سالهای ۱۹۵۰م این معیار ها حتی در کشور های غربی و متمدن آن عصر چندان رعایت نمی گردید، چه رسد به کشورهای جهان سوم و خاصاً افغانستان.

بار ها به این موضوع تأکید صورت گرفته که محقق قضایای تاریخی وقتی میتواند با قضاوت سالم به بررسی مسائل بپردازد که نخست خودش را در اوضاع و احوال آن دوره یا عصر قرار دهد و رویداد ها را که به وقوع پیوسته اند، با شرایط عینی و ذهنی حاکم در همان مکان و آن زمان در نظر گیرد.

بعد از بیشتر از دو دهه زجر و زندان، عبدالملک خان به تاریخ ۸ دسمبر ۱۹۸۱م در کابل جان به جان آفرین تسلیم کرد. روح این فرزند صدیق، شخصیت ملی، وطن دوست، رنج دیده و بلا کشیده شاد و بهشت برین مکانش باد. باید تذکر داد که در جمع آوری این نوشته منابع مختلف مرور شده ولی روی نوشته محترم سید عبدالله کاظم شخصیت علمی و دانشمند کشور بیشتر استناد گردیده است.



عبدالملک خان عبدالرحیم زی د ارواښاد عبدالرحیم خان زوی په ۱۲۹۳ هجری لمریز کال کی د لوگر ولایت د محمدآغی ولسوالی د گمران په کلی کی نړی ته سترگی پرانستی.

د یو تحصیلی بورس له لاری، دلوړو زده کړو لپاره د ترکیی هیواد ته ولاړ. د ترکیه په ارکان حرب اکاډیمی کی یی خپلی زده کړی د لوژستیک یا لوازم برخه کی پای ته ورسولی. وروسته یی د امریکی متحده ایالاتو کی په عمومی اداره کی زده کړی وکړی او د سند له اخیستو وروسته افغانستان ته راستون شو.

د لوژستیک آمر شو او په عسکری مسلک کی یی قدم په قدم تر جنرالی رتبه تر لاسه کړه. د ښاغلی عبدالملک خان په نوښت، چی د افغانی سری میاشتی بنسټ ایښودنکی غړی وه، د لوژستیک (لوازم) پوهنځی، د وسله پالی ټولگی، د تفتیش ریاست، عسکری کوپراتیف او کانتین د لومړی ځل لپاره افغانستان کی تاسیس شول. ښاغلی ملک خان د حربی پوهنتون د استادۍ ویاړ هم درلود.

کله چی شهید محمد داود خان د صدارت عظمی مقام ته ورسید، ښاغلی ملک خان یی د هغه د پوهی او استعداد په بنسټ د مالیی وزیر وټاکه، او ملک خان هم د انکشافی پلانونو لپاره خپله تیاری وښودله.

په ۱۳۳۳ لمریز هجری کال کی وه چی ملک خان د لومړنی ځل لپاره د دولت بودیجه په علمی او قانونی توگه د افغانستان پارلمان ته وړاندی او د پارلمان په تائید یی ورسوله.

ښاغلی عبدالرحیم زی یو نوی او اصولی مالیاتی سیستم را مینځ ته کړ چی د "ملک خانی" سیستم په نوم مشهور شو. مالیات پر عایدات یی وضع کړل، مالیی یی لوړه کړه، هر پلو یی د عایداتو د راټولولو او سپمولو د پاره هڅه وکړه هان تر دی چی د ارگ او پادچاهی دربار خرڅ یی هم تر حساب لاندی راووست.

همدا راز د بهرنیو هیوادو څخه د مرستو د را جلبولو لپاره یی په نوښت یی لاس پوری کړ. لومړنی سفر یی د امریکی متحده ایالاتو ته ډیر بریالی وه ځکه چی د امریکی دولت د لویو مرستو ژمنه ورسره وکړه. ددی مرستو یوه بیلگه د کابل پوهنتون د ودانیو او لیلیی د جوړولو د لگښت بودجه، چی شاوخوا یو میلیون او شپږسوه زره ډالره وه، ژمنه یی وکړه.

په خواشینی سره چه ملک خان د امریکی سفر څخه تر راستنیدو وروسته سمدلاسه تر څارنی لاندی ونیول شو.

ویل کیږی چی د ملک خان د امریکی سفر څخه وروسته د هغه په هکله ناسم راپور او د کودتا آوازی چی د شوروی د استخباراتی مؤسسی (کی-جی-بی) له خوا چی په ډیر مهارت جوړه شوی وی، خپری شوی وی څو د افغانستان او امریکی د نږدی والی مخه ونیسی. او داسی آوازی هم خپری شولی چی شوروی د کودتا په شندولو کی د افغان حکومت سره مرسته کړی ده.

ددی ناسم او غلط راپور پر بنسټ د ۱۹۵۷ لمریز کال مخکی له لوی اختر څخه چی ددی تش په نامه کودتا نیټه ټاکل شوی وه، ملک خان عبدالرحیم زی د کودتا د مشر په نامه تر نظارت لاندی ونیول شو.

د ملک خان دوه وروڼه، عبدالرحمن عبدالرحیم زی (د سپین زر شرکت رئیس) او عبدالله عبدالرحیم زی چی د (عبدالله ترافیک) په نامه مشهوره وه، بندیان شول. او د عبدالرحیم زی ټوله کورنی او ځینی خپلوان تر سختی څارنی لاندی ونیول شول. له ډیرو سختو تحقیقاتو وروسته هیڅ داسی کوم اسناد و نه موندل شول چی د عبدالرحیم زی او یا د هغه په کورنی لاس لرل په دی سیاسی تور کی ثابت شی.

د پاڼو شمیره: له 5 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکی په څیر و لولئ

ملک خان د ژوند تر وروستی دمه ځان بې گناه باله. هان تر دی چی هر وار چی زندان څخه د ملک خان د خوشی کیدو امر شوی، هغه له زندان څخه د وتلو څخه ډډه وکړه مگر په دی شرط چی هغه محاکمه شی او د هغه د بیگناهی اعلان وشي او که دا کار ونشي له زندان څخه به بهر نشی.

ملک خان د ۲۱ کلونو بند له تیروولو وروسته د بشر د حقوقو د عفوی د نړیوال سازمان د مداخلی په اثر له زندان څخه آزاد شو او دمرگ تر وروستی سلگی یی د هیواد درد هیر نکړ او د روسانو د یرغل په مقابل هم چپ پاتی نشو.

ارواښاد عبدالملک خان عبدالرحیم زی د ۱۳۶۰ لمریز کال د لیندی د میاشتی به ۱۷ نیټه د کابل په وزیر محمد اکبر خان روغتون کی نړی څخه سترگی پټی کړی. ځینی داسی نظر لری چی ملک خان ته د ببرک در رژیم د عواملو له خوا زهری مواد زرق شوی وه خو په دی هلکه کوم کره او مؤثق اسناد او شواهد لاس کی نشته..

د هیواد ددی صدیق بچی اروا دی ښاده او یاد دی تلپاتی وی.

د پاڼو شمیره: له 6 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکي په څیر و لولئ